

بسم الله الرحمن الرحيم

آیات الولایه

آیه پانزدهم - سوره مبارکه هود - آیه شریفه ۱۷

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَمَنْ قَبْلَهُ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ
فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

آیا کسی که (در اعتقاد و عمل خود) بر پایه دلیل روشنی از جانب پروردگار خویش است (مانند قرآن) و به دنبال او گواهی از جانب خداست (تأیید معصوم ، معجزه او و حکم عقل که مصدق قرآنند) و پیش از آن نیز کتاب موسی پیشوا و رحمت بود (مانند کسی است که تنها به گمان و شک تکیه دارد؟ آری) ایشانند که به این قرآن ایمان می آورند ، و هر کس از گروه ها به آن کفر ورزد آتش وعده گاه اوست پس ، از آن در شک و تردید مباش ، قطعاً آن حق ثابت از جانب پروردگار توست و لکن بیشتر مردم ایمان نمی آورند.

"افمن كان على بينة من ربه و يتلوه شاهد منه " آیا کسیکه (رسول خدا صلی الله علیه و آله برای صحت گفتار خود) حجتی (قرآن) از طرف پروردگار خود داشته و پشت سر او شاهد و گواهی از خود او باشد. . .

در این آیه نیز مفسرین و مورخین عامه و خاصه نوشته اند که منظور از شاهد و گواهی از خود پیغمبر علی علیه السلام است (تفسیر ابو الفتح رازی بیابیع الموده ص ۹۹)

بعد از آن حال مؤمن مخلص را که افعال و اقوال او محض قربت، و بر منافق مرائی مزید امتیاز را دارد بیان می فرماید.

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ: (استفهام به داعی تقریر است) یعنی آیا پس کسی باشد بر حجت و برهانی از پروردگار خود که او را دلالت کند به طریق ثواب. مراد به بینة در این جا قرآن و صاحب آن پیغمبر صلی الله علیه و آله است. نزد بعضی مراد مؤمنین اصحاب پیغمبر، یا هر محق بدین حق است. «۱» وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ: و از پی درآید حجت او را، که برهان عقلی است، گواهی از جانب الهی که شهادت به صحت آن دهد. مراد شاهد، خدای تعالی یا جبرئیل، یا علی ابن ابی طالب علیه السلام چنانچه روایت کافی از حضرت کاظم علیه السلام و حضرت رضا علیه السلام: مراد به شاهد امیر المؤمنین علیه السلام است. «۲» حاصل آیه شریفه آنکه: آیا کسی که بر حجتی باشد از جانب الهی و با شاهد سبحانی، برتر و بالاتر است؛ یا کسی که طالب زینت دنیا و عمل را به ریا نماید. و مسلماً نزد عقل و عقلا، طالب سعادت دینی و رضای الهیه، اولی و احق خواهد بود؛ و وجدان منصف هم این مطلب را شاهد صادقی است.

تبصره: احادیث بسیار از خاصه و عامه وارد شده که مراد «بینة» حضرت رسالت، مراد «شاهد» حضرت علی علیه السلام است:

۱ - خوارزمی مشتهر به صدر الاثمه، در مناقب خود نقل نموده که:

عمرو عاص در جواب نامه معاویه نوشت که: ای معاویه تو می دانی خداوند در قرآن آیاتی در شأن علی بن ابی طالب علیه السلام و فضایل او نازل فرموده که هیچکس در آنها با او شریک نیست، مثل آیه «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» و «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ» و «أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ.»

۲- ثعلبی در تفسیر خود سه روایت در تفسیر این آیه نقل نموده که مراد به شاهد تالی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله حضرت علی علیه السلام است.

۳- ابراهیم حموی در فرائد السمطین به چهار سند روایت نموده.

۴- ابن عباس و جابر و أبو البختری گفته که: این آیه مخصوص است به علی بن ابی طالب علیه السلام و هیچکس از صحابه با او شریک نیست.

۵- واحدی در وسیط.

۶- طبری و نظیری و حماد بن سلمه از انس بن مالک.

۷- ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به دو سند نقل نموده.

۸- فخر رازی در تفسیر کبیر تصریح نموده که مراد به شاهد که از خود رسول خدا و بعض از او است، علی بن ابی طالب می باشد؛ و المراد منه تشریف هذا الشاهد بانه بعض من محمد صلی الله علیه و آله.

۹- حافظ ابو نعیم در حلیه الاولیاء روایت نموده و مسلم داشته که مراد «بینه» رسول خدا، و «شاهد» امیر المؤمنین علیه السلام است.

۱۰- ابن مغالزی به ده سند، و موفق بن احمد به چهار سند، و ابراهیم بن محمد به هفت سند نقل نموده اند که مراد «شاهد» علی علیه السلام است. «۱» برهان: در مقام استدلال گوئیم: ظاهر آیه شریفه آنکه خداوند متعال توبیخ و ملامت منافقین و کفار، چنانچه سیاق آیات شریفه قبل است می فرماید: آیا کسی که بر بینة و معجزات از جانب پروردگار است که نفس مقدسه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله است و کسی که تلو در بعد او است شاهد و گواهی که از خود او باشد، حال ایشان از کفار و منافقین از دنیاپرستان مساوی خواهد بود، و لفظ «من» در آیه «وَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ» یا مراد آن (من جنسیه یا بعضیه یا بدلیه) است.

و علی ای حال، آن شاهد تالی بعد رسول ظاهر بلکه نص در بعدیت بلافصل است، چه آنکه تلو شیء، ما بعد بلافصل شیء را گویند. و حاصل معنی آنکه شاهد و گواهی تالی در بعد رسول یا از جنس رسول یا بعض رسول یا بدل رسول است، و از بدیهیات است که تالی بلافصل رسول که از جنس رسول یا بدل رسول است، البته خلیفه بلافصل حضرت رسول صلی الله علیه و آله خواهد بود. و اگر مراد تالی در فضل باشد، باز دلالت بر امامت دارد، زیرا تفضیل مفضول بر فاضل قبیح است عقلا، و نیز دال است بر عصمت آن حضرت، زیرا به شهادت یک نفر، هرگاه معصوم نباشد، مدعا ثابت نشود.

بعد از آن در صفت تورات که شاهد بر حقیقت قرآن و پیغمبر آخر الزمان است می فرماید:

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى: و پیش از قرآن یا پیغمبر آخر الزمان علیه صلوات الله الملك المنان کتاب موسی علیه السلام بود که مصدق قرآن و مبشر سید پیغمبران است. إِمَاماً وَ رَحْمَةً: در حالتی که آن تورات پیشوا بود مر اهل دین را و سبب بخشایش و واسطه فیض الهی بود مر صاحبان یقین را در دنیا و آخرت. أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ: آن گروه صاحب بینة الهی ایمان می آورند به قرآن یا پیغمبر صلی الله علیه و آله. وَ مَنْ يَكْفُرْ بِهِ: و هر که کافر شود به قرآن یا پیغمبر آخر الزمان، مِنَ الْأَحْزَابِ: از گروهها و ملل متفرقه یهود و نصاری

و مشرکین و منحرفین از دین مبین و دشمنان سید المرسلین بتمامه، فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ: پس آتش جهنم وعده‌گاه و بازگشت و مقر او است و لا محاله بدو خواهد رسید.

ابو موسی اشعری روایت نموده از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود: لا یسمع بی احد من الامة لا یهودی و لا نصرانی ثم لم یؤمن بی الا کان من اصحاب النار. «۱» یعنی: هیچ یهودی و نصرانی نباشد که نام من شنود و ایمان نیاورد مگر آنکه از اهل جهنم باشد. ابو موسی گوید: من با خود اندیشه نمودم که این را پیغمبر از قرآن می‌گوید، طلب آن باید کرد. این آیه به یادم آمد که «وَمَنْ یُکْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ» گفتیم: صدق الله و صدق رسول الله.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِنْهُ: خطاب به پیغمبر و مراد امت است، یعنی پس مباش ای مکلف یا ای انسان یا ای شنونده در شک از این موعده از امر پروردگار یا در انزال قرآن. عیاشی از حضرت صادق علیه السلام در تأویل این آیه روایت نموده که مباش در شک ولایت علی السلام. «۲» إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ: بدرستی که پیغمبر صلی الله علیه و آله یا قرآن حق است از جانب پروردگار تو. یا خبری که تو را آگاه کرده‌اند حق است از جانب خداوند سبحان. وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا یُؤْمِنُونَ: و لکن بیشتر مردمان ایمان نمی‌آورند به پیغمبر یا قرآن و تصدیق نمی‌کنند حقانیت آن را به جهت کمی تدبیر و تأمل و زیادتی انکار و لجاج.

منبع: پایگاه های اطلاع رسانی امام علی سلام الله علیه، تدبیر، حرم حضرت امیرالمومنین سلام الله علیه، تبیان

معاونت فرهنگی تربیتی

مرکز آموزش های غیرحضورى حوزه های علمیه خواهران

<http://vufarhangi.whc.ir/>